

چالش‌ها و رهیافتهای توسعه گردش‌گری ادبی در ایران

ناصر بیات*

علی‌رضا اسدی**

چکیده

امروزه مطالعات میان‌رشته‌ای از اهمیت به‌سزایی در بسیاری از شاخه‌های علمی به‌ویژه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی برخوردار است. پژوهش درباره گردش‌گری فرهنگی و زیرشاخه‌های آن هم‌چون گردش‌گری ادبی نیز از حوزه‌های مطالعاتی میان‌رشته‌ای است، به‌ویژه در رشته‌های ادبیات، جغرافیا، و مطالعات فرهنگی. علی‌رغم غنای ادبیات و میراث ادبی ایران، این شاخه از گردش‌گری تاکنون در کشور مغفول مانده است. این پژوهش، با بهره‌گیری از روش کیفی تحلیل مضمون از طریق گردآوری دیدگاه‌ها و داده‌های متنی موجود پیرامون گردش‌گری ادبی در ایران، در گام نخست چالش‌های توسعه گردش‌گری ادبی در ایران را شناسایی و در گام دوم رهیافتهای لازم برای غلبه بر آنها را شناسایی و تجزیه و تحلیل کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد چالش‌های یادشده قابل‌دسته‌بندی به ۶ مضمون اصلی و ۴۳ مضمون فرعی و رهیافتهای موردنظر نیز قابل‌دسته‌بندی به ۱۰ مضمون اصلی و ۶۹ مضمون فرعی است.

کلیدواژه‌ها: گردش‌گری فرهنگی، گردش‌گری ادبی، میراث ادبی، جغرافیای ادبی، تحلیل مضمون.

۱. مقدمه

کارشناسان انواع مواع توسعه گردش‌گری در ایران را شامل ابعاد زیربنایی، اقتصادی، فرهنگی، انسانی، سیاسی، دولتی، و مدیریتی برمی‌شمارند (محرابی و همکاران ۱۳۸۹) و در

* استادیار جغرافیای انسانی، دانشگاه علوم انتظامی امین، گروه جغرافیا، n_bayat@ut.ac.ir

** استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، (نویسنده مسئول)، asadi728@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۰۱

این شرایط بسیاری از آن‌ها «گردش‌گری فرهنگی» و زیربخش‌های آن از جمله «گردش‌گری ادبی» را سازگارترین شکل گردش‌گری با شرایط حاکم بر کشور ایران معرفی می‌کنند که در مقایسه با اشکال دیگر با موانع کم‌تری روبه‌رو است و از مزیت نسبی برخوردار است و اغلب تجربیات مطالعاتی نشان می‌دهند که اثرات منفی گردش‌گری فرهنگی بر جوامع مقصد بسیار کم‌تر از سایر اشکال گردش‌گری است. بر این پایه، اشکال متنوع گردش‌گری فرهنگی، از جمله گردش‌گری ادبی، می‌تواند به‌عنوان گزینه‌ای مطلوب برای خروج از بن‌بست کنونی و راهی به‌سوی رونق بخشی به صنعت گردش‌گری در ایران مطرح شود. چنین رویکردی مبنی بر این فکر است که فرهنگ ایرانی از توانایی بازتولید و زاینندگی بسیاری برخوردار است و همواره، بیش از آن‌که اثرپذیر باشد، در عرصه جهانی اثرگذار بوده است (سعیدی و همکاران ۱۳۹۱). باین‌همه، کشور ایران علی‌رغم برخوردار بودن از پتانسیل‌های فراوان به‌لحاظ جاذبه‌های گوناگون ادبی و میراث ادبی غنی تاکنون نتوانسته است به موقعیت قابل‌توجهی در این زمینه دست یابد. هرچند تعداد گردش‌گرانی که به شهرهای ادبی ایران هم‌چون شیراز و مشهد و تبریز سفر می‌کنند در دهه‌ها و سال‌های اخیر همواره رو به افزایش بوده است، مسئله اساسی این‌جا است که تاکنون در سطوح ملی و منطقه‌ای برنامه‌ریزی قابل‌توجه و عزم راسخی برای توسعه گردش‌گری ادبی و ایجاد خلاقیت و شکوفایی در این زمینه وجود نداشته است. باوجوداین، طی سال‌های گذشته برای ترویج گردش‌گری ادبی و برانگیختن علاقه مردم و جلب توجه دولت‌مردان علاقه‌مندان به ادبیات و میراث ادبی کشور کوشش‌های پراکنده‌ای در بخش خصوصی شده است و حاصل مجموعه تلاش‌های آن‌ها بسط گفتمان توسعه گردش‌گری در ایران به‌عنوان شاخه‌ای از گردش‌گری فرهنگی است. بدون شک میراث ادبی ایران از جایگاه برجسته‌ای در حوزه تمدنی شرق برخوردار است که بهره‌گیری از قابلیت‌های آن می‌تواند برای جهانیان و به‌ویژه علاقه‌مندان به گردش‌گری فرهنگی جذاب باشد و علاوه بر کمک به توسعه بخش گردش‌گری، به‌عنوان ابزار «قدرت نرم» و «دیپلماسی فرهنگی» (Bell and Oakley 2014)، در تعمیق و گسترش جهانی دستاوردها و ارزش‌های میراث فرهنگی کشور نقش ایفا کند. لذا در شرایط کنونی ضرورت دارد، از طریق برنامه‌ریزی اصولی، سازمان‌دهی و بسترسازی‌های لازم برای شکوفایی گردش‌گری ادبی در کشور انجام شود و از این طریق از پتانسیل‌های موجود در ایران به‌طور بالفعل بهره‌برداری شود تا بدین ترتیب گردش‌گری ادبی به جایگاهی شایسته و روبه‌پیشرفت دست یابد. در این پژوهش می‌کوشیم، با بهره‌گیری از روش کیفی تحلیل مضمون و از طریق گردآوری داده‌های موجود پیرامون گردش‌گری ادبی

در ایران، در گام نخست چالش‌ها یا به عبارتی موانع و مشکلات توسعه گردش‌گری در ایران را شناسایی کنیم و در گام دوم رهیافتهای لازم برای غلبه بر چالش‌های کنونی را تعیین و تجزیه و تحلیل کنیم. انتظار می‌رود نتایج پژوهش فهم روشنی از موضوع گردش‌گری ادبی و شناخت روشنی از چالش‌ها و رهیافتهای کنونی آن در ایران ارائه دهد، بستر مناسبی برای طرح موضوع گردش‌گری ادبی (به‌عنوان موضوعی میان‌رشته‌ای) در مطالعات آکادمیک کشور فراهم آورد، و همچنین دستاوردهای مناسبی برای برنامه‌ریزان و مسئولان توسعه گردش‌گری به‌همراه داشته باشد.

۲. ادبیات پژوهش

۱،۲ گردش‌گری فرهنگی

گردش‌گری فرهنگی را می‌توان یکی از کهن‌ترین گونه‌های گردش‌گری به‌شمار آورد. به‌طور کلی، آن‌چنان‌که از منابع مختلف علمی برمی‌آید، نمی‌توان تعریف یکسانی درباره گردش‌گری فرهنگی ارائه داد. پژوهش‌گران مختلف با توجه به زمینه فکری و تجربه‌های مطالعاتی خود تعاریف به نسبت متفاوتی در این زمینه ارائه داده‌اند. برداشت‌های متفاوت از دو مفهوم «گردش‌گری» و «فرهنگ» را می‌توان مهم‌ترین دلیل دشواری ارائه تعریفی یکسان از گردش‌گری فرهنگی شناخت. اما به‌طور کلی، و به‌عنوان نقطه اشتراک بیش‌تر تعاریف موجود، می‌توان گفت گردش‌گری فرهنگی برآمده از جذابیت‌های منابع مادی و غیرمادی فرهنگ (ملموس و غیرملموس) در مقصدهای گردش‌گری است (Yamashita 2016)، مانند معماری، ادبیات، آثار هنری، موسیقی، سبک و شیوه خاص زندگی، انواع جشنواره‌ها، آداب و رسوم خاص فرهنگ‌های محلی، فیلم و سینما، نمایشگاه‌های هنری، موزه‌های فرهنگی، و غیره. یوری (Urry 1990) معتقد است هنگام بحث درباره گردش‌گری فرهنگی می‌باید میان «نگرش رمانتیک» (romantic gaze) و «نگرش کلی (عام)» (collective gaze) به گردش‌گری تمایز قائل شد. براساس دیدگاه وی نگرش رمانتیک بیش‌تر مختص گردش‌گرانی است که از سطح فرهنگ و آموزش بالاتری برخوردارند. بنابراین، گردش‌گری فرهنگی (و گردش‌گری ادبی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخه‌های آن) به‌طور کلی در چهارچوب نگرش رمانتیک جای می‌گیرد، به‌طوری‌که باید پذیرفت گردش‌گر فرهنگی بیش‌تر به فعالیت‌های مرتبط با فرهنگ علاقه‌مند است و به‌طور کلی در پی پاسخ‌گویی ملموس به نیازهای فرهنگی خود است تا از این طریق سطح دانش و

فرهنگ خود را ارتقا بخشد (Stiebel 2007). یکی از شناخته‌شده‌ترین و پرکاربردترین تعریف‌هایی که از مفهوم گردش‌گری فرهنگی به‌عمل آمده مربوط به «سازمان جهانی گردش‌گری ملل متحد» (United Nations' World Tourism Organization) است؛ در این تعریف آمده است:

مسافرت مردم به‌سوی جاذبه‌های فرهنگی در مکان‌هایی خارج از محل سکونت آن‌ها، به‌قصد کسب دانش و تجربه و پاسخ‌گویی به نیازهای فرهنگی، مانند مشارکت در روی‌دادهای فرهنگی و هنری، بازدید از مکان‌های میراث فرهنگی، بازدید از نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری، تماشای فیلم و تئاتر (Du Cros and McKercher 2015).

۲,۲ جغرافیای ادبی

جغرافیای ادبی حاصل برهم‌کنش جغرافیا و ادبیات است و پیدایش آن با اهمیت‌یافتن مفهوم «فضا» و «مکان» در مباحث علوم انسانی به‌ویژه حوزه نقد ادبی ارتباط تنگاتنگ دارد. این موضوع بینارشته‌ای از دهه ۱۹۹۰ م به‌شکلی گسترده موردتوجه پژوهش‌گران در جهان غرب قرار گرفت و هم‌گام با رشد ادبیات علمی در این زمینه مطالعات گردش‌گریابی و «نقشه‌نگاری ادبی» (literary cartography) نیز رشد یافت (سیدقاسم و نوح‌پیشه ۱۳۹۵). رابرت تی. تیلی (Tilly 2013) از جمله پژوهش‌گرانی است که در کتابی با عنوان *فضامندی* (Spatiality) شناخت جامعی در این زمینه به‌دست می‌دهد. در این اثر تاریخچه و فلسفه مفهوم «فضامندی» در ادبیات بیان می‌شود. «نقشه‌نگاری ادبی» و مفاهیم مرتبط با آن مانند «حس مکان» (sense of place) و پیوند روایت و «فضای اجتماعی» (social space) تبیین می‌شود. جغرافیای ادبی و عناصر شکل‌دهنده آن مانند «روح مکان» (spirit of a place) در آثار ادبی موردبحث قرار می‌گیرد. سرانجام به تشریح رویکرد «نقد جغرافیایی» (geocriticism) در ادبیات پرداخته می‌شود.

ویرجینیا ولف (Virginia Woolf) (۱۸۸۲-۱۹۴۱) از جمله نویسندگان مشهوری است که در یکی از مقالات خود به موضوع جغرافیای ادبی می‌پردازد. وی پیوندهای میان محل زندگی دو نویسنده بزرگ انگلیسی، ویلیام مکپیس تاکری و چارلز دیکنز، و کتاب‌های آن‌ها را بررسی می‌کند. براساس نگرش ولف، در چهارچوب جغرافیای ادبی خوانندگان متون ادبی را به‌صورت کتاب‌های راهنما مورداستفاده قرار می‌دهند و از این طریق سفرهای خود در بستر جغرافیای طبیعی انگلستان را دنبال می‌کنند تا بدین ترتیب از مکان‌های واقعی که

به‌دلیل ارتباطشان با آثار این دو نویسنده بزرگ شهرت یافته‌اند از نزدیک بازدید کنند. ولف معتقد است در سفر ادبی روح مکان به دو شکل «علمی» و «تخیلی» نمود می‌یابد. در شکل تخیلی و احساسی، فرد در پی چیزهایی است که مسبب برانگیختن تخیل شود، مانند تصورکردن دیکنز در یک موقعیت مکانی خاص که با روایت زندگی وی پیوند و هم‌خوانی دارد. در شکل علمی، بازتاب و تأثیر محیط زندگی نویسنده بر آثار وی جست‌وجو می‌شود (Yamashita 2016). در واقع براساس این نگرش می‌توان گفت، در چهارچوب جغرافیای ادبی و ارتباط آن با گردش‌گری ادبی، فرد به‌دنبال درک این نکته است که محیط اطراف نویسنده تا چه حد بر خلق آثار وی تأثیر گذاشته است؛ به‌عبارتی دیگر، عناصر الهام‌بخش نویسنده در آفرینش آثار ادبی از درون نمودهای محیطی و ویژگی‌های فضای جغرافیایی زندگی نویسنده جست‌وجو می‌شود.

موضوع جغرافیای ادبی در ادبیات علمی ایران سابقه‌درازی ندارد. یکی از دلایل آن ضعف در مکان‌مندی آثار نظم و نثر فارسی است. زیرا، برخلاف نویسندگان معاصر اروپا، نویسندگان ایرانی توجه زیادی به شهر و مکان‌های واقعی پیرامون خود نشان نمی‌دهند؛ گویی در فضای ذهنی و در جغرافیای تخیلی خود سیر می‌کنند و از فضاها و واقعی فاصله می‌گیرند. دلیل دیگر این است که سازوکار عناصر مکانی در شعر و نثر کلاسیک و ادبیات معاصر ایرانی و اروپایی متفاوت است. بازنمایی فضاها و جغرافیایی (شهری و غیرشهری) در آثار ادبیات غرب تنها با هدف بازنمایی ابعاد واقعیت در داستان‌های رئالیستی انجام نمی‌شود بلکه روشی برای بازنمایی فضای فکری حاکم بر مکان و فضای جغرافیایی است (سیدقاسم و نوح‌پیشه ۱۳۹۵).

۳,۲ گردش‌گری ادبی

یوری می‌گوید امروزه ارزش‌یافتن ابعاد زیبایی‌شناختی و تماشایی بسیاری از مکان‌ها، و هم‌چنین اهمیت‌یافتن جذابیت نوستالژیک «میراث» جوامع (میراث فرهنگی و میراث طبیعی)، را می‌توان در بستر مفاهیم و معانی پست‌مدرن نگریست (1990: 93-94). متون ادبی و نویسندگان و میراث به‌جای‌مانده از آن‌ها همواره یکی از عوامل انگیزشی سفرهای توریستی بوده‌اند. در جهان معاصر این شکل از گردش‌گری، به‌دلیل انتشار گسترده‌متون ادبی و آشنایی عموم مردم با ادبیات و زندگی‌نامه نویسندگان از طریق رسانه‌هایی چون فیلم و تلویزیون، با رشد فزاینده‌ای روبه‌رو شده است (MacLeod et al. 2013).

یاناکیس و دیویس (Yiannakis and Davies 2012) معتقدند رشد و توسعه گردش‌گری ادبی، به‌عنوان یکی از اشکال شناخته‌شده گردش‌گری، از سده‌های هجدهم و نوزدهم هم‌گام با فراگیر شدن رئالیسم ادبی (گسترش مطالعات ادبی) آغاز شد. اندرسون و رابینسون (Anderson and Robinson 2002) بر این عقیده‌اند که به‌طور کلی تاریخ گردش‌گری ادبی به قرن‌ها پیش و حداقل به زمان امپراتوری روم برمی‌گردد. باوجود این، واتسون (2006: 5) سرآغاز گردش‌گری ادبی مدرن را در قرن هجدهم جست‌وجو می‌کند، که آن زمان مردم، به‌قصد دیدن خانه‌ها و آرامگاه‌های نویسندگان مشهور و هم‌چنین چشم‌اندازهایی که نویسندگان از نواحی یا مکان‌های مختلف در آثار خود ارائه می‌دادند، اقدام به سفر می‌کردند. هربرت (Herbert 2001: 312-313) نیز معتقد است در گذشته اغلب گردش‌گران ادبی از افراد فرهیخته و طبقات بالای جامعه بوده‌اند و معتقد است:

ریشه سیاحت‌های ادبی به سفرهای دانشمندانی برمی‌گردد که به‌قصد دیدار از مکان‌های مرتبط با زندگی و آثار نویسندگان مشهور (در زمینه‌هایی چون نثر ادبی، نمایش‌نامه، شعر) اقدام به سفر و پیمودن مسافت‌های طولانی می‌کردند. از این دیدگاه سیاحتان ادبی را می‌توان گردش‌گرانی تحصیل‌کرده و فرهیخته به‌شمار آورد که از سرمایه فرهنگی بالایی برخوردارند، میراث ادبی را ارج می‌نهند، و الگوی مصرف متفاوت‌تری از سایر طبقات اجتماعی دارند.

اما آنچه را سبب رشد انبوه گردش‌گری ادبی طی بیش از دو دهه اخیر شده است می‌توان در بستر رشد اهمیت مفاهیم و ارزش‌های پست‌مدرن جست‌وجو کرد (Herbert 2001; Lowe 2012). براساس نگرش پست‌مدرن حفظ «اصالت» مکان‌های ادبی از اهمیت به‌سزایی در مدیریت مقصدهای گردش‌گری ادبی برخوردار است (Fawcett and Cormack 2001). از مفهوم گردش‌گری ادبی تعاریف متنوع و به‌نسبت متفاوتی وجود دارد که برخی از جدیدترین و کامل‌ترین آن‌ها به شرح زیر است:

«گردش‌گری ادبی یکی از زیرمجموعه‌های گردش‌گری فرهنگی و گردش‌گری میراث است که مکان‌های مرتبط با نویسندگان ادبی، داستان‌ها و کتاب‌های ادبی، جشنواره‌های ادبی، هنرهای خلاق، و فیلم‌ها و تولیدات رسانه‌ای را در بر می‌گیرد» (Hoppen et al. 2014).

گردش‌گری ادبی فرصتی برای سفر به زادگاه، مکان دفن، خانه، املاک، و محل نگهداری اشیای بازمانده از شخصیت‌های ادبی است؛ این‌گونه سفرها تجربه‌های فرهنگی ارزش‌مندی در پی دارد، فرصتی برای مشارکت در مراسم و جشنواره‌های ادبی

فراهم می‌سازد، و هم‌چنین زمینه‌ای برای تجسم فضای شکل‌گیری تفکر خلاق یا محل خلق آثار ادبی فاخر را پدید می‌آورد (Ommundsen 2014).

اسمیت و همکاران (Smith 2010: 110) بر مبنای شناخت ادبیات مطالعاتی گردش‌گری ادبی به‌طور کلی، به‌لحاظ ماهیت، مکان‌های گردش‌گری ادبی را به سه دسته تقسیم می‌کنند. نخست، «مکان‌های واقعی»: این دسته مکان‌ها وجود خارجی دارند و قابل‌رؤیت هستند و محل تولد، زندگی، خلق آثار ادبی، و مرگ و نیز آرامگاه نویسندگان شناخته می‌شوند. دوم، «مکان‌های تخیلی» (ادراکی): این گونه مکان‌ها بیان‌گر فضا، محیط، و محتوای داستان‌ها و روایت‌ها، اشعار، و فیلم‌ها هستند. سوم، «مکان‌هایی که برساخت اجتماعی دارند» و برای توسعه‌گردش‌گری ادبی ایجاد می‌شوند، مانند مقصدهای برگزارکننده جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های ادبی و فرهنگی و مکان‌های برخوردار از موزه ادبی.

۳. روش

روش «تحلیل مضمون» (thematic analysis) اساس روش‌شناسی پژوهش حاضر است. تحلیل مضمون یکی از روش‌های پژوهش کیفی در علوم انسانی و اجتماعی شناخته می‌شود. این روش به شناسایی، تجزیه و تحلیل، و استخراج الگوهای مضامین موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها می‌پردازد (Boyatzis 1998; Tuckett 2005). تاکنون پژوهش‌گران شیوه‌های متنوعی را در اجرای روش تحلیل مضمون به‌کار برده‌اند. در این پژوهش از روش شش مرحله‌ای مورداستفاده براون (Braun) و کلارک (Clarke 2006) بهره گرفته شد. در این چهارچوب، نخست پژوهش‌گر به گردآوری داده‌های موردنیاز پژوهش می‌پردازد و یک‌جا آن‌ها را می‌خواند تا به شناخت کلی از محتوای داده‌های به‌دست‌آمده دست یابد و سرانجام مضامین اولیه را شناسایی کند. در این‌جا هرگونه متن یا نوشته‌ای که مستقیم و غیرمستقیم به موضوع گردش‌گری ادبی در ایران می‌پردازد به‌عنوان منبع داده گردآوری شد، شامل مقاله، متن سخن‌رانی، متن مصاحبه‌های منتشرشده در انواع رسانه‌ها، گزارش‌های علمی و خبری، یادداشت‌ها و نوشته‌های شخصی، و غیره. در مرحله دوم، کدگذاری داده‌ها در دستور کار قرار می‌گیرد و بر این اساس مضامین گوناگون ذیل محورهای اصلی دسته‌بندی می‌شوند. در مرحله سوم مضامین اصلی، پس از ادغام مضامین اولیه دارای مفهوم یک‌سان و حذف موارد تکراری، خلاصه‌سازی می‌شوند و سپس، با توجه به ماهیتشان، ذیل مضامین اصلی طبقه‌بندی می‌شوند. سعی می‌شود مضامین به‌اندازه کافی خاص، مجزاف و غیرتکراری و نیز

به اندازه کافی کلان باشد تا مجموعه ایده‌های مطرح شده در بخش‌هایی از متن را شامل شود. این امر باعث کاهش داده‌ها به مجموعه‌هایی از مضامین مهم پذیرفتنی و کنترل‌پذیر می‌شود که مبین خلاصه‌ای از متن اصلی است. در گام چهارم بازخوانی مضامین دسته‌بندی شده ذیل مضامین اصلی در دستور کار قرار می‌گیرد. در این چهارچوب پژوهش‌گر می‌باید اطمینان حاصل کند که هر دسته از مضامین، به لحاظ مفهومی و معنایی، بیش‌ترین ارتباط درونی را با یک‌دیگر دارند و به عبارت دیگر دارای بیش‌ترین هم‌گونی درونی و بیش‌ترین تفاوت با مضامین بیرونی هستند. گام پنجم هنگامی آغاز می‌شود که پژوهش‌گر به شبکه مضامین رضایت‌بخشی رسیده باشد. در این حالت، مضامین پیش‌نهادشده برای تحلیل داده‌ها تعریف و تعدیل می‌شود. در این گام، شبکه‌های مضامین ترسیم‌شده بررسی و تجزیه و تحلیل می‌شود. شبکه‌های مضامین ابزاری برای تحلیل هستند، نه خود تحلیل. این شبکه‌ها به محقق کمک می‌کند به درک عمیق‌تری از معانی متون برسد و بتواند مضامین به‌دست‌آمده را تشریح کند و الگوهای آن‌ها را بشناسد. پس از ایجاد شبکه‌های مضامین، پژوهش‌گر باید دوباره به متن اصلی مراجعه و آن را به کمک این شبکه‌ها تفسیر کند (Attride-Stirling 2001، به نقل از عابدی جعفری و همکاران ۱۳۹۰). در گام ششم گزارش یافته‌های پژوهش براساس تجزیه و تحلیل شبکه مضامین ترسیم‌شده و ارائه شواهد متنی به‌نگارش درمی‌آید.

۴. یافته‌های پژوهش

بر این اساس در مجموع حدود ۱۹۴ صفحه متن اعم از مقاله علمی، سخن‌رانی، مصاحبه و گفت‌وگو، مقاله خبری، گزارش، و غیره به‌دست آمد. این حجم از مطالب حدود ۵۷/۷۰۰ کلمه جهت تحلیل داده‌های مرتبط با توسعه گردش‌گری ادبی در ایران فراهم آورد. سپس، باتوجه به اهداف پژوهش، مفاهیم و مضامین مستخرج از فرایند کدگذاری داده‌های متنی ذیل دو محور اصلی مرتبط، شامل «چالش‌ها» و «ره‌یافت‌ها» توسعه گردش‌گری ادبی در ایران، سامان‌دهی شدند. در این چهارچوب ۸۸ مضمون اولیه درباره مسائل و مشکلات و موانع توسعه گردش‌گری ادبی و ۱۶۵ مضمون اولیه درباره راه‌کارهای توسعه و ترویج گردش‌گری ادبی در ایران شناسایی شد. در ادامه، به‌طور جداگانه، به تشریح یافته‌های پژوهش درباره چالش‌ها و ره‌یافت‌های توسعه گردش‌گری ادبی در ایران، براساس روش کیفی تحلیل مضمون، می‌پردازیم.

۱,۴ چالش‌های توسعه گردش‌گری ادبی در ایران

یافته‌های پژوهش در چهارچوب تحلیل مضمون‌های موجود در داده‌های متنی مرتبط با چالش‌های توسعه گردش‌گری ادبی در ایران در قالب ترسیم شبکه مضامین به ۶ مضمون اصلی و ۴۳ مضمون فرعی دسته‌بندی شد. در زیر به‌طور جداگانه چالش‌های موردنظر در چهارچوب شبکه مضامین اصلی و فرعی تجزیه و تحلیل می‌شود.

۱,۱,۴ ضعف حمایت از توسعه گردش‌گری ادبی

براساس یافته‌های پژوهش، یازده گزاره به‌عنوان مضمون‌های فرعی ذیل مضمون اصلی «ضعف حمایت از توسعه گردش‌گری ادبی در ایران» جای می‌گیرند و عبارت‌اند از: باورنداشتن نهادهای فرهنگی کشور به پتانسیل‌های گردش‌گری ادبی، ناکارآمدی نهادهای مسئول در حفاظت از میراث فرهنگ و ادب کشور، غفلت از به‌کارگیری ظرفیت افسانه‌ها و اسطوره‌های ملی در توسعه گردش‌گری فرهنگی، کم‌توجهی دولت به اهمیت میراث ادبی کشور برای توسعه بخش گردش‌گری، کم‌توجهی به میراث مشاهیر ادبی، ناتوانی در معرفی پتانسیل ادبیات و میراث ادبی ایران به بازار گردش‌گری، غفلت از میراث ادبی ایران به‌عنوان منبع الهام برای ادبیات جهان، عملکرد شعاری مسئولان در پرداختن به گردش‌گری فرهنگی و ادبی، بی‌توجهی به ضرورت تغییر الگوی گردش‌گری از تاریخی صرف به ادبی و فرهنگی، تخریب یا نابودی میراث مادی بسیاری از مفاخر ادبی، بی‌توجهی سازمان‌ها و نهادهای مسئول به ظرفیت‌های میراث ادبی بومی و فولکلور محلی. در این زمینه یک کارشناس مطالعات گردش‌گری می‌گوید:

گردش‌گری ادبی در ایران به‌عنوان کشور مهد ادبیات تاکنون مغفول باقی مانده است. این ناکامی می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد اما مهم‌ترین آن بی‌توجهی مسئولان در استفاده از ظرفیت‌های ادبی کشور است ... راه‌بردی مشخص برای استفاده از این ظرفیت‌ها تعریف نشده است ... در سایه کم‌توجهی مسئولان کسی چه می‌داند که خانه جلال آل‌احمد یا ... کجاست و آیا اصلاً امکان بازدید از آن‌ها وجود دارد یا خیر (خمامی‌زاده ۱۳۹۴).

۲,۱,۴ شایسته‌نبودن جایگاه کنونی گردش‌گری ادبی

مباحث مطرح‌شده پیرامون مضمون اصلی «شایسته‌نبودن جایگاه کنونی گردش‌گری ادبی در ایران» بیش‌تر وضعیت کنونی ایران در بازار گردش‌گری ادبی در جهان را نقد می‌کند و

به‌طور کلی پنج مضمون فرعی را در بر می‌گیرد، شامل: عقب‌ماندگی شهرهای ادبی ایران نسبت به شهرهای ادبی جهان، نداشتن جایگاه قابل توجه در گردش‌گری جهانی، بهره‌نبردن از سرمایه‌های فرهنگ و ادب ایران برای توسعه گردش‌گری ادبی، کم‌توجهی به میراث ادبی و کم‌رنگ‌شدن هویت ادبی شهرهای ادبی ایران، ناشناخته‌ماندن جذابیت‌های گردش‌گری ادبی موجود در شهرهای ایران. به‌طور مثال می‌توان به دیدگاه دو پژوهش‌گر مطالعات گردش‌گری به قرار ذیل اشاره کرد:

ایران با غنای ادبی که دارد و با وجود شاعرانی چون سعدی، حافظ، فردوسی تا خیام و عطار و باباطاهر چه رونقی می‌تواند به صنعت گردش‌گری دهد؛ اما متأسفانه هنوز این نوع گردش‌گری در ایران جایگاهی ندارد و به همین دلیل ایران هم از درآمد آن محروم است و هم این‌که برخی از ظرفیت‌های این صنعت رو به نابودی است (زارع ۱۳۹۵).

ایران علی‌رغم برخورداری از پتانسیل‌های بسیار بالا در این خصوص آن‌طور که شایسته است نتوانسته خود را به‌عنوان یک قطب گردش‌گری ادبی با معرفی شاعران و مشاهیر به‌عنوان برند گردش‌گری ادبی مطرح نماید و از اثرات مثبت آن بهره‌جوید (صیامیان گرجی ۱۳۹۱).

۳,۱,۴ ضعف حفاظت از میراث ادبی کشور

درمجموع مباحث مطرح‌شده پیرامون مضمون اصلی «ضعف حفاظت از میراث ادبی کشور» پنج مضمون فرعی را در بر می‌گیرد، شامل: ناتوانی در حفظ اصالت بسیاری از مکان‌های ادبی، ضعف در جلوگیری از مصادره میراث ادبی ایران، تخریب و تغییر کاربری خانه‌های مشاهیر ادبی، قانون ارث و مسئله مالکیت خانه‌های مشاهیر ادبی معاصر، نبود راه‌بردهای مناسب برای حفاظت از میراث ادبی. به‌طور مثال در این زمینه چنین گفته شده است:

تغییر کاربری خانه‌های تاریخی کشور که خانه بزرگان ادب و هنر کشور هم در لیست آن‌ها قرار دارد، قصه امروز و دیروز نیست و هر از چندگاهی با گزارشی در رسانه‌ها روبه‌رو می‌شویم ... خانه‌ای که مهد ادب و هنر یک کشور ... در خطر نابودی قرار می‌گیرد. اما ممالکی وجود دارند که خانه‌های هنرمندان چند صد سال پیش را هم باقی نگه داشته‌اند ... (جوان‌آنلاین ۱۳۹۱).

۴,۱,۴ ناشناخته‌ماندن ظرفیت‌های گردش‌گری ادبی

مباحثی که ذیل مضمون اصلی «ناشناخته‌ماندن ظرفیت‌های گردش‌گری ادبی» مطرح می‌شوند پنج مضمون فرعی را در بر می‌گیرند و عبارت‌اند از: نبود برنامه‌ای مشخص برای

توسعه گردش‌گری ادبی در سازمان‌ها و نهادهای اجرایی، غفلت از قابلیت‌های فضای مجازی در توسعه گردش‌گری ادبی، نداشتن مسیرهای ادبی مطابق ظرفیت فراوان ادبیات در ایران، فقدان شناختی درست از ظرفیت‌های متنوع گردش‌گری ادبی، فقدان شناخت کافی از گردش‌گری ادبی نزد مردم ایران. یک کارشناس گردش‌گری در این باره می‌گوید:

کشور ایران به واسطه ادبیات عرفانی و فرهنگ کهن خود، از جمله مقاصد در دنیا است که دارای پتانسیل زیاد برای توسعه گردش‌گری ادبی است که تاکنون کم‌تر بدان توجه شده است ... این مهم نیاز به برنامه‌ریزی مؤثرتر و کارآمد جهت بهره‌مندی از این میراث فرهنگی - معنوی دارد. یکی از اولین گام‌ها، طراحی محور و مسیر ویژه گردش‌گری ادبی است (فراهانی ۱۳۹۵).

۵,۱,۴ محدودیت امکانات و زیرساخت‌های توسعه گردش‌گری ادبی

مباحثی که پیرامون مضمون اصلی «محدودیت امکانات و زیرساخت‌های توسعه گردش‌گری ادبی» مطرح می‌شود ده مضمون فرعی را دربر دارد، شامل: کمبود امکانات پذیرایی از گردش‌گران ادبی، نبود موزه‌های ادبی در ایران، نبود مکان‌های ادبی ساختگی، حرفه‌ای‌نبودن بسیاری از تورگردان‌ها در ایران، نبود سرمایه‌گذاری در حوزه گردش‌گری ادبی، جذاب‌نبودن برخی از بناهای ادبی ساخته‌شده در ایران، ضعف در مکان‌مندی و زمان‌مندی ادبیات ایران، نداشتن درکی درست از اهمیت میراث ادبی در توسعه گردش‌گری ادبی، ناتوانی در شناساندن شخصیت‌های ادبیات پارسی به جهانیان، کمبود آثار سینمایی و تلویزیونی به‌عنوان محرک گردش‌گری ادبی. دو پژوهش‌گر جغرافیای ادبی در این زمینه می‌نویسند: «تاکنون هیچ طرح و برنامه جامعی تهیه نشده است تا این نوع گردش‌گری را جهت‌دهی و سامان‌دهی کند ... ناشناخته‌ماندن آثار مکان‌مند از مشکلات مهمی است که بر سر راه گردش‌گری ادبی ایران قرار دارد» (سیدقاسم و نوح‌پیشه ۱۳۹۵: ۸۸).

۶,۱,۴ برداشت نادرست از گردش‌گری ادبی و نگرش محدود به آن

این بخش از یافته‌ها بر «فهم ناقص یا نادرست از ماهیت گردش‌گری ادبی» در سطح عام و در سطح نهادهای اجرایی و متولی حوزه فرهنگ تأکید دارد. براساس یافته‌ها هفت مضمون فرعی شناخته‌شده در این باره عبارت‌اند از: نبود خلاقیت در آفرینش جاذبه ادبی، ناشناخته‌ماندن ابعاد متنوع گردش‌گری ادبی، نبود نگرش مثبت درباره برخی مشاهیر ادبی نزد متولیان فرهنگی، شناخت اندک از میراث مادی شاعران و نویسندگان بزرگ معاصر،

برداشت محدود از گردش‌گری ادبی در حد دیدن آرامگاه ادیبان، نبود برداشتی درست از مفهوم گردش‌گری ادبی در سطوح مدیریتی و اجرایی کشور، محدود دانستن جغرافیای ادبی به برخی شهرهای شاخص چون شیراز. در این زمینه می‌توان به بخشی از سخنان دو نویسنده ادبیات معاصر در ایران اشاره کرد: «گردش‌گری ادبی به معنا و مفهوم امروزی آن در کشور ما تعریف نشده و سابقه‌چندانی ندارد، ... که انتظار داشته باشیم در کشور ما هم مثل کشورهای دیگر مورد اقبال قرار گیرد» (گلبو ۱۳۹۳)؛ «گردش‌گری ادبی ما در بازدید از مقابر سوت‌وکور خلاصه می‌شود. اگر به قونیه می‌روند تا مقبره مولانا را ببینند با مجموعه‌ای آشنا می‌شوند؛ سماع هست؛ موسیقی هست اما این‌جا همه چیز در یک سنگ قبر خلاصه می‌شود» (اصلانی ۱۳۹۳).

۲,۴ ره‌یافت‌های توسعه گردش‌گری ادبی در ایران

یافته‌های پژوهش در چهارچوب تحلیل مضامین موجود در داده‌های متنی مرتبط با ره‌یافت‌های توسعه گردش‌گری ادبی در ایران در قالب ترسیم شبکه مضامین به ۱۰ مضمون اصلی و ۶۹ مضمون فرعی دسته‌بندی شد. در زیر به‌طور جداگانه ره‌یافت‌های یادشده در چهارچوب شبکه مضامین اصلی و فرعی با بیان شواهد مربوط به آن‌ها تشریح می‌شوند.

۱,۲,۴ حمایت دولت از توسعه گردش‌گری ادبی

درمورد مضمون اصلی «حمایت دولت از گردش‌گری ادبی» نه مضمون فرعی بدین شرح شناسایی شد: به‌کارگیری دیپلماسی فرهنگی برای توسعه گردش‌گری ادبی، ایجاد چهارچوب قانونی برای فعالیت مردم و نهادهای غیردولتی، حمایت مالی دولت از برگزاری و رونق بخشی به انواع رخدادهای ادبی، بازسازی و احیای جاذبه‌های میراث ادبی، کمک به ایجاد تجربه‌های رضایت‌بخش از سفرهای ادبی، نهادسازی و سازمان‌دهی، تسهیل سرمایه‌گذاری، بهره‌گیری از پتانسیل فراوان ادبیات ایران برای توسعه گردش‌گری ادبی، به‌فعلیت درآوردن ظرفیت‌های بالقوه. اهمیت این موضوع تا جایی است که از شش هدف موردنظر برای برگزاری همایش ملی گردش‌گری ادبی (۱۳۹۱) در ایران دو هدف بر نقش دولت متمرکز شده است، شامل «گردهم‌آوردن سه رأس مثلث دولت، صنعت، و دانشگاه جهت هم‌اندیشی و همکاری درباره چگونگی توسعه هرچه بهتر و پایدارتر گردش‌گری ادبی در سطح منطقه‌ای، ملی، و محلی» و «ترغیب دولت و صنعت برای متنوع‌سازی محصول گردش‌گری کشور با تمسک به دارایی‌های غنی ادبی کشور».

۲,۲,۴ شناخت و طراحی مسیر ادبی

از برابند مجموعه مباحث مطرح‌شده پیرامون مضمون اصلی «طراحی مسیرهای ادبی» هفت مضمون فرعی مطرح شده است، شامل: آشناساختن فعالان گردش‌گری و گردش‌گران با انواع مسیر ادبی، طراحی مسیر ادبی سفرنامه‌های مشهور، معرفی جغرافیای ادبی آثار و نویسندگان ادبی، شناسایی و احیای مکان‌ها و مسیرهای ادبی، معرفی مسیرهای گردش‌گری ادبی براساس متون ادبی، کارتوگرافی مسیرهای ادبی، برنامه‌ریزی تور گردش‌گری در امتداد مسیرهای ادبی. به‌طور مثال یکی از کارشناسان گردش‌گری در این‌باره می‌گوید:

گردش‌گری ادبی یکی از گونه‌های گردش‌گری فرهنگی است که علاوه‌بر روایت‌پذیری نسبت به مسیرهایی که توسط مشاهیر رخ داده، شکل می‌گیرد ... در ایران نیز می‌توان برای هرکدام از این شاعران و فیلسوفان مسیر گردش‌گری تعریف کرد و به‌بانه روز تولد و روز بزرگداشت آن‌ها این مسیرها را معرفی و درصدد جذب گردش‌گر برآمد؛ البته تعریف مسیر برای گردش‌گری ادبی نیازمند انجام تحقیقات علمی، تعریف مفاهیم پایه‌ای، و احیای هویت تاریخی است و برای رونق این نوع گردش‌گری باید به این امور توجه شود (حکمت‌نیا ۱۳۹۵).

۳,۲,۴ توسعه مکان‌های ادبی

درمورد مضمون اصلی «توسعه مکان‌های ادبی» سیزده مضمون فرعی شناسایی شد، شامل: اقتباس از آثار ادبی برای طراحی و ساخت مکان‌های گردش‌گری ادبی، به‌کارگیری دیپلماسی فرهنگی در ثبت جهانی آثار مشهور میراث ادبی، ساخت مکان ادبی نمادین در مکان مرتبط با حماسه و اسطوره و افسانه ملی، ساخت و توسعه موزه‌ها و شهر کتاب و شهرک‌های ادبی، بهره‌گیری از داستان‌های فرهنگ عامه در ساخت مکان‌ها یا جاذبه‌های ادبی، بازسازی و شناسایی مکان‌های مرتبط با زندگی شاعران، کارتوگرافی ادبی آثار مشهور شعر و نثر کشور، مکان‌یابی جاذبه‌های ادبی براساس روایت‌های ادبی، معرفی مکان‌ها و منازل مطرح در روایت‌های ادبی، بازسازی یادمان‌ها و مکان‌های ادبی با حفظ اصالت آن‌ها، طراحی مناسب آرامگاه شخصیت‌های ادبی، توسعه و ترویج گردش‌گری ادبی با بهره‌گیری از قابلیت‌های مکان‌های ادبی، طراحی بناهای ادبی متناسب حال‌وهوای شخصیت و شعر و نثر نویسندگان. در این‌باره یکی از پژوهش‌گران گردش‌گری می‌گوید:

مکان‌هایی که با خود فرهنگ و ادبیات یک کشور را حمل می‌کنند، جاذبه گردش‌گری ادبی هستند. ادبیات در ایران قدمتی هزاران‌ساله دارد. هزاران شاعر و نویسنده و ادیب در این سرزمین زیسته‌اند که خانه‌ها و مقبره‌هایشان می‌تواند میعادگاه علاقه‌مندان به ادبیات و گردش‌گری باشد (شمس ۱۳۹۲).

۴,۲,۴ رونق‌بخشی به برگزاری انواع رویدادهای ادبی

در مورد مضمون اصلی «رونق‌بخشی به برگزاری انواع رویدادهای ادبی» هفت مضمون فرعی بدین شرح شناسایی شد: حمایت از خلاقیت‌ورزی در برگزاری اجراهای گوناگون فرهنگی - ادبی، رونق‌بخشی به انواع جشنواره‌های ادبی، برگزاری یادبود و بزرگداشت مشاهیر ادبی، برپایی برنامه‌های متنوع در مکان‌ها و فضاهای ادبی، برگزاری رویدادهای متنوع ادبی در شهرهای ادبی، معرفی مشاهیر ادبی به جهانیان از طریق برگزاری انواع رویدادهای ادبی، رونق‌بخشی به برگزاری انواع همایش‌های ادبی. در این زمینه یک پژوهش‌گر گردش‌گری معتقد است:

در برگزاری جشنواره‌های ادبی، هم‌چون مراسم بزرگداشت زادروز فردوسی ... لازم می‌نماید که علاوه بر بعد علمی و ادبی، جنبه‌های گردش‌گری ادبی نیز مدنظر قرار گیرد و هم‌زمان با جشنواره ادبی به‌عنوان یک رویداد هم‌پیوند با گردش‌گری ادبی، اقدامات لازم صورت پذیرد تا ضمن گسترش حوزه نفوذ داخلی، حوزه نفوذ خارجی نیز گسترش یابد (سقایی ۱۳۹۳).

۵,۲,۴ آموزش و فرهنگ‌سازی گردش‌گری ادبی

درباره مضمون اصلی «آموزش و فرهنگ‌سازی گردش‌گری ادبی» شش مضمون فرعی شناسایی شد، شامل: جلب مشارکت نخبگان و کارآفرینان موفق در دانش‌افزایی بخش اجرایی کشور، ساخت فیلم‌ها و سریال‌های مروج فرهنگ گردش‌گری ادبی، برنامه‌های تشویق عمومی چون مسابقه کتاب‌خوانی ادبی و سفرنامه‌نویسی ادبی و تشویق خلاقیت‌های فردی، آشناساختن دانش‌آموزان با میراث فرهنگی - ادبی در برنامه‌های آموزشی، دانش‌افزایی زمینه‌های نوین در گردش‌گری ادبی، بالابردن دانش ادبی و آگاهی عموم مردم از میراث ادبی. در این زمینه یکی از فعالان حوزه، گردش‌گری ادبی در ایران می‌گوید:

از آن‌جاکه ادبیات کهن و معاصر ما اکنون در سایه ادبیات سایر ملل تاحدودی رنگ باخته و ازسوی اقشار مختلف کشور به‌ویژه جوانان نادیده گرفته می‌شود، درجهت

معرفی آن به جهانیان و تقویت جایگاه آن در میان شهروندان جامعه خویش باید به شیوه‌های جذاب‌تر، خلاقانه‌تر، و کم‌تر نخبه‌گرا اندیشیده شود. یکی از این شیوه‌ها که ره‌یافته‌های فراوانی برای جامعه در پی دارد پیوند صنعت گردش‌گری با میراث ادبی کشور است (نورآقایی ۱۳۹۱).

۶,۲,۴ بازاریابی تورهای گردش‌گری ادبی

درمورد مضمون اصلی «بازاریابی تورهای گردش‌گری ادبی» نه مضمون فرعی بدین شرح شناسایی شد: قرارداد گردش‌گری ادبی در بسته‌های تور تلفیقی، بهره‌گیری از رسانه‌های اجتماعی مجازی الکترونیک برای بازاریابی تورهای ادبی، عرضه تورهای گردش‌گری ادبی براساس شناخت دقیق بازار، بهره‌گیری از تجربه کشورهای موفق در ترویج و بازاریابی گردش‌گری ادبی، گنجاندن گردش‌گری ادبی در بسته‌های تور گردش‌گری، شناخت روش‌های بازاریابی مناسب برای فروش تورهای ادبی، بهره‌گیری از تبلیغات محیطی (واقعی و مجازی) برای بازاریابی تورهای ادبی، حمایت از فعالان بخش گردش‌گری برای عرضه تورهای ادبی، عرضه بسته‌های متنوع تور فرهنگی- ادبی به گردش‌گران. در این زمینه یکی از فعالان و کارشناسان گردش‌گری فرهنگی با تأکید بر نگاه تخصصی به تورهای ادبی می‌گوید:

ما به توس و نیشابور می‌رویم و از آرامگاه خیام و عطار و فردوسی و مهدی اخوان ثالث دیدن می‌کنیم اما تور ادبی، معنا و مفهوم خاص خود را دارد. یک تور کامل تخصصی با مخاطبان خاص و راه‌نمایان خاص و آشنا به ادبیات و شعر است (همان).

۷,۲,۴ تبدیل خانه نویسندگان به جاذبه گردش‌گری ادبی

درمورد مضمون اصلی «تبدیل خانه نویسندگان به جاذبه گردش‌گری ادبی» هفت مضمون فرعی بدین شرح شناسایی شد: مرمت و بازسازی خانه‌های شاعران و نویسندگان مشهور، حفاظت و نگهداری از خانه نویسندگان به‌عنوان میراث فرهنگی کشور، حفاظت از اصالت خانه نویسندگان به‌عنوان جاذبه ادبی، ثبت ملی خانه نویسندگان مشهور، رفع موانع حقوقی تبدیل خانه نویسندگان به جاذبه ادبی، توجه به خانه نویسندگان به‌عنوان جاذبه گردش‌گری در برنامه‌های بازاریابی مقصد، تبدیل خانه نویسندگان به موزه ادبی. در این زمینه در گزارشی درباره خانه یکی از نویسندگان معاصر چنین آمده است:

در کشور ما به‌رغم وجود چهره‌های موفق و درخشان در عالم فرهنگ و هنر تقریباً هیچ اقدام جدی برای حفظ خانه‌های هنرمندان انجام نشده ... خانه روزگار نوجوانی جلال آل‌احمد ... می‌تواند محل خوبی برای علاقه‌مندان به این نویسنده و هم‌چنین فضایی برای معرفی او به گردش‌گران فرهنگی ایرانی و غیرایرانی باشد (مرتضایی فرد ۱۳۹۵).

۸,۲,۴ حفاظت از میراث ادبی

ضرورت «حفاظت از میراث ادبی» به‌عنوان یکی از مضامین اصلی توسعه گردش‌گری ادبی در ایران شناسایی شد که دربردارنده سه مضمون فرعی بدین شرح است: حفاظت از میراث فرهنگی - ادبی از طریق اجماع نهادی و مشارکت جمعی، مردمی‌کردن حفاظت از میراث ادبی در ابعاد مادی و معنوی، جلب مشارکت مردم در حفاظت از میراث ادبی. در این زمینه یکی از مسئولان بخش گردش‌گری می‌گوید:

یکی از میراث غنی ایرانیان ... ادبیات آن است. ادبیات تجلیگاه خلاقیت و خودباوری است ... ادبیات حوزه فرهنگی ایران زمین نیز به‌سبب غنا و تنوع غیرقابل‌انکار آن ... گنجینه‌ای است که (حفاظت از آن) می‌تواند اعتلای نام ایران را به‌دنبال داشته باشد ... پیوند صنعت گردش‌گری با میراث ادبی نیازمند برنامه‌ریزی منسجم است (سروش مقدم ۱۳۹۳).

۹,۲,۴ بسترسازی برای فعالیت تخصصی در گردش‌گری ادبی

درمورد مضمون اصلی «بسترسازی برای فعالیت تخصصی در گردش‌گری ادبی» پنج مضمون فرعی بدین شرح شناسایی شد: ارائه تسهیلات به متخصصان گردش‌گری برای فعالیت در زمینه گردش‌گری ادبی، حمایت از فعالیت افراد متخصص در زمینه گردش‌گری ادبی، ایجاد رسانه‌های تخصصی گردش‌گری، حمایت از تأسیس آژانس‌های تخصصی در زمینه گردش‌گری فرهنگی - ادبی، آموزش تخصصی نیروی انسانی فعال در بخش گردش‌گری فرهنگی - ادبی. در این زمینه مهرورز (۱۳۹۴) در مقدمه پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان شناسایی ظرفیت‌های گردش‌گری ادبی در استان گیلان چنین آورده است:

امروزه با رقابتی شدن صنعت جذب گردش‌گر در سراسر جهان و تخصصی شدن روزافزون این حوزه، نیاز به تبلیغات و ترویج فرهنگی و اطلاع‌رسانی (با رویکرد تخصصی)، بسیار احساس می‌شود. ایران با داشتن زیربنای عمیق فرهنگی و ادبی از

ایجاد قطب‌های مصنوعی گردش‌گری تا حد زیادی بی‌نیاز است، با این حال اهمیت چندانی به دارایی‌های فراوان کشور در این حوزه داده نمی‌شود.

۱۰,۲,۴ کارتوگرافی ادبی و تهیه نقشه گردش‌گری ادبی

سرانجام «کارتوگرافی ادبی و تهیه نقشه ادبی» به‌عنوان یکی دیگر از مضمون‌های اصلی مرتبط با جغرافیای ادبی ایران شناخته شد که با سه مضمون فرعی بدین شرح همراه است: کارتوگرافی ادبی مکان‌ها و مسیرهای ادبی، تهیه نقشه گردش‌گری برای آثار ادبی مشهور، کارتوگرافی ادبی در مقیاس‌های مختلف محلی و منطقه‌ای و ملی. در این زمینه سیدقاسم و نوح‌پیشه (۱۳۹۵: ۹۸) با اشاره به طرح «نقشه ادبی ایران» می‌گویند:

هدف غایی این طرح آن است که نقشه‌ای چندلایه با اهداف پژوهشی و گردش‌گری برای تمام شهرهای ایران طراحی شود که در آن دیگر مؤلفه‌های مهم در نقشه ادبی نظیر محل تولد نویسندگان و شاعران و مکان وقوع روایت‌های داستانی نیز لحاظ شده باشد.

۵. نتیجه‌گیری

از نیمه سده بیستم میلادی بسیاری از دولت‌ها توسعه بخش گردش‌گری را به‌عنوان یکی از صنایع خدماتی برای رشد و توسعه اقتصادی کشورهای خود به‌کار گرفته‌اند، تاجایی که امروزه بخش گردش‌گری از بزرگ‌ترین بخش‌های اقتصادی در جهان شناخته می‌شود. الگوهای گوناگون گردش‌گری فرهنگی هم‌چون گردش‌گری ادبی، در مقایسه با دیگر شاخه‌های بخش گردش‌گری، از ظرفیت‌های ارزش‌مند و غنی برخوردارند. هم‌چنین، به‌اعتقاد اغلب کارشناسان و پژوهش‌گران مطالعات گردش‌گری، این شاخه از گردش‌گری اثرات منفی کم‌تری بر جامعه و محیط‌زیست به‌جای می‌گذارد و توسعه آن می‌تواند از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی به درآمدزایی و توسعه اقتصادی بینجامد. در این پژوهش بر این تحلیل مضامین مرتبط با چالش‌ها و راه‌یافت‌های توسعه گردش‌گری ادبی در ایران دربردارنده دستاوردهایی است که می‌تواند برای ذی‌نفعان گوناگون بخش گردش‌گری به‌ویژه گردش‌گری فرهنگ و میراث ادبی کاربردی و راه‌گشا باشد.

درمجموع می‌توان گفت مفهوم گردش‌گری ادبی شاخه‌ای نو از گردش‌گری فرهنگ و میراث و گردش‌گری خلاق شناخته می‌شود. این نوع از گردش‌گری طیف گسترده‌ای از

مکان‌ها و جاذبه‌های ادبی را در بر می‌گیرد (مانند مکان‌های واقعی، تخیلی، و ساختگی؛ مکان ساخت فیلم؛ مکان برگزاری رویداد ادبی، شهرکتاب؛ موزه‌های ادبی؛ مسیر ادبی؛ مکان‌های مرتبط با افسانه و اسطوره؛ خانه نویسندگان؛ مکان گردش‌گری خلاق) و لازم است در ادبیات مطالعات علمی و آکادمیک و هم‌چنین در سطوح اجرایی این تنوع در کانون توجه قرار گیرد تا از نگاه تک‌بعدی و محدود به گردش‌گری ادبی پرهیز شود. هم‌چنین رشد گردش‌گری ادبی برآمده از عوامل انگیزشی متنوعی در سطح جامعه است (مانند میراث فرهنگی - ادبی، آثار ادبی، شخصیت ادبی و هنری، مکان و فضای ادبی، مکان هنری، حس مکان، شرکت در روی‌دادهای ادبی و غیره)؛ بنابراین لازم است در شناخت گردش‌گران ادبی و هم‌چنین در برنامه‌ریزی و مدیریت و بازاریابی گردش‌گری ادبی انگیزه‌های گوناگون گردش‌گری ادبی مورد توجه قرار گیرد. از آن‌جاکه تاکنون گردش‌گری ادبی در سطح جامعه ایرانی بیش‌تر «محدود به دیدن آرامگاه مشاهیر ادبی» بوده است، لازم است از طریق بسط ابعاد مفهومی و شناختی گردش‌گری ادبی در سطح جامعه به‌ویژه از طریق انواع نهادهای آموزشی و رسانه‌ای شناخت درستی از مفهوم گردش‌گری ادبی و زمینه‌های گوناگون آن فراهم شود. گردش‌گری ادبی همانند اغلب شاخه‌های گردش‌گری دارای «ماهیتی میان‌رشته‌ای است»؛ بنابراین در توسعه ادبیات علمی گردش‌گری ادبی و هم‌چنین در سطوح اجرایی و توسعه‌ای لازم است از طیف گسترده‌ای از تخصص‌های مرتبط بهره‌گیری شود، به‌ویژه جغرافیا، ادبیات، و شاخه‌های گوناگون مطالعات فرهنگی و میراث.

بر مبنای شناخت «چالش‌ها» یا «مسائل و مشکلات توسعه گردش‌گری ادبی» می‌توان گفت گردش‌گری ادبی نیازمند حمایت همه‌جانبه دولت، متولیان بخش گردش‌گری، و نهادهای اجتماعی و فرهنگی است و لازم است مسئولان اجرایی کشور در سطوح عالی مدیریتی بسترهای لازم برای مشارکت ذی‌نفعان گوناگون در توسعه گردش‌گری ادبی را فراهم سازند. باتوجه به ضعف جایگاه کنونی ایران در بخش گردش‌گری جهانی از جمله گردش‌گری فرهنگی - ادبی، شایسته است از پتانسیل‌های فراوان موجود در این زمینه برای عرضه به بازار گردش‌گری جهانی بهره‌گیری شود. میراث فرهنگی و ادبی کشور سرمایه‌ای ارزش‌مند برای نسل‌های کنونی و نسل‌های آینده است و حفاظت از آن نیازمند استراتژی‌های کارآمد و اقدامات عملی راه‌گشا است. ایران از جمله کشورهایی است که دارای ظرفیت‌های بسیار متنوع در زمینه گردش‌گری فرهنگ و میراث و به‌ویژه ادبیات غنی است که تاکنون ظرفیت‌های غنی و گوناگون گردش‌گری ادبی کشور برای گردش‌گران

ناشناخته مانده است و در نتیجه لازم است اقدامات همه‌جانبه‌ای برای معرفی این ظرفیت‌ها به گردش‌گران به‌عمل آید. گردش‌گری ادبی همانند دیگر اشکال و الگوهای گردش‌گری نیازمند امکانات و زیرساخت‌های خاص خود است که بدون آن‌ها سخن‌گفتن از توسعه‌گردش‌گری ادبی بیهوده خواهد بود. بر این پایه لازم است مدیران و متولیان بخش گردش‌گری و همچنین مدیریت محلی در نواحی برخوردار از جاذبه‌ی ادبی ایجاد امکانات و زیرساخت‌های لازم برای توسعه‌گردش‌گری ادبی را در برنامه‌های اجرایی و عمرانی خود جای دهند. باتوجه‌به برداشت نادرست از گردش‌گری ادبی و نگرش محدود به آن در سطح جامعه، لازم است ترویج و توسعه‌گردش‌گری ادبی در سطح جامعه برپایه‌ی شناختی درست و منطقی صورت پذیرد.

یافته‌ها و نتایج پژوهش پیرامون «راه‌کارها» یا «ره‌یافت‌های توسعه‌گردش‌گری ادبی در ایران» دربردارنده‌ی گزاره‌هایی است که بر رویکردها و راه‌بردهای گوناگون در زمینه‌ی توسعه و ترویج گردش‌گری ادبی تأکید دارند. برپایه‌ی نتیجه‌گیری از این بخش از یافته‌ها می‌توان پیش‌نهادهایی بدین شرح ارائه داد: گردش‌گری ادبی همانند کل بخش گردش‌گری نیازمند حمایت دولت و نقش تسهیل‌کننده‌ی نهادهای دولتی است؛ لازم است شناخت و طراحی انواع مسیرهای ادبی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جاذبه‌های گردش‌گری ادبی خلاق در دستور کار مدیران و برنامه‌ریزان بخش گردش‌گری قرار گیرد؛ مدیران و برنامه‌ریزان بخش گردش‌گری می‌باید مکان‌ها و فضاهای ادبی (جغرافیای ادبی) را به‌عنوان بستر اصلی توسعه‌گردش‌گری ادبی شناسایی کنند و استراتژی‌ها و برنامه‌های اجرایی کارآمدی را برای توسعه‌گردش‌گری ادبی در قلمرو جغرافیای ادبی به‌کار گیرند؛ مدیران و برنامه‌ریزان بخش گردش‌گری می‌باید رونق بخشی به انواع روی‌دادهای ادبی را به‌عنوان یکی از اقدامات اساسی در توسعه‌گردش‌گری ادبی مدنظر قرار دهند؛ تحریک تقاضای گردش‌گری ادبی در سطح جامعه و بخش گردش‌گری نیازمند آموزش و فرهنگ‌سازی از طریق نهادهای گوناگون آموزشی و فرهنگی است؛ تولید بسته‌های متنوع تور ادبی و به‌کارگیری روش‌های بازاریابی مناسب در این زمینه لازمه‌ی توسعه‌ی بازار گردش‌گری ادبی و رونق‌بخشی به آن است؛ میراث به‌جای‌مانده از نویسندگان و مشاهیر ادبی یکی از برجسته‌ترین زمینه‌های جذاب در توسعه‌گردش‌گری ادبی است. خانه‌ی نویسندگان از ارزشمندترین جاذبه‌های میراث ادبی شناخته می‌شوند که حفاظت، نوسازی، و توسعه‌ی آن‌ها از مهم‌ترین راه‌کارهای توسعه‌گردش‌گری ادبی شناخته می‌شود؛ پایداری گردش‌گری ادبی نیازمند حفاظت و بهره‌گیری از انواع میراث ادبی است؛ لازم است مدیران و برنامه‌ریزان بخش گردش‌گری

بسترسازی لازم برای فعالیت تخصصی در زمینه گردشگری ادبی را فراهم کنند؛ مدیران و برنامه‌ریزان بخش گردشگری لازم است برپایه جغرافیای ادبی جاذبه‌های فرهنگی – ادبی کارتوگرافی ادبی و تولید و تهیه نقشه‌های ادبی را به‌عنوان یکی از ابزارهای کاربردی در این زمینه موردتوجه قرار دهند. سرانجام می‌توان گفت در مقطع کنونی می‌باید مدیران و مسئولان فرهنگی کشور گردشگری ادبی را به‌عنوان عاملی برای کمک به گسترش دیپلماسی فرهنگی و شکوفایی فرهنگ و ادب موردحمایت قرار دهند. در سطح مدیریت کلان، مسئولان کشور و مدیران سیاسی باید از توسعه گردشگری فرهنگی – ادبی به‌عنوان عاملی برای رونق اقتصادی کشور و هم‌چنین افزایش خودآگاهی فرهنگی – ادبی و ایجاد وحدت ملی حمایت کنند.

کتابنامه

- اصلائی، محمدرضا (۱۳۹۳)، «گفت‌وگوی خبری: روز جهانی گردشگری»: <http://www.mehrnews.com/news>.
- جوان‌آنلاین (۱۳۹۱)، «خانه مشاهیر ادبیات در سرایشی زوال»: <http://www.javanonline.ir/fa/news>.
- حکمت‌نیا (۱۳۹۵)، «مسافری به نام "سعدی" در دل گردشگری ادبی»: <https://www.tasnimnews.com/fa/news>.
- خمامی‌زاده، الناز (۱۳۹۴)، «طلسم گردشگری ادبی ایران هم‌چنان قفل است»: <http://www.donyayesafar.com/news>.
- زارع، حکیمه (۱۳۹۵)، «غفلت از گردشگری ادبی در پایتخت شعر و ادب ایران»: <https://www.tasnimnews.com/fa/news>.
- سروش‌مقدم، سیروس (۱۳۹۳)، «پیوند گردشگری و میراث ادبی»، به‌گزارش مریم مقدم: <http://www.hamedanpayam.com/56446>.
- سقای، مهدی (۱۳۹۳)، «گردشگری ادبی و سهم فردوسی»: <http://shahraraonline.com/news/40300>.
- سعیدی، علی‌اصغر، سیدمحمد بهشتی، و رضا رضوانی (۱۳۹۱)، «موانع اساسی سیاست‌گذاری گردشگری از نظر نخبگان»، *برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، س ۱، ش ۲.
- سیدقاسم، لیلا و حمیده نوح‌پیشه (۱۳۹۵)، «جغرافیای ادبی و شاخه‌های آن؛ معرفی مطالعات نوین بینارشته‌ای در ادبیات»، *فصل‌نامه نقد ادبی*، دوره ۹، ش ۳۳.
- شمس، فؤاد (۱۳۹۲)، «گردشگری ادبی؛ بر بال شاعران پارسی»، *روزنامه دنیای اقتصاد*، ش ۳۰۸۱: <http://donya-e-qtasad.com/news/770752>.
- صیامیان‌گرچی، ابوالفضل (۱۳۹۱)، «گردشگری ادبی»: <http://tourismscience.blogfa.com/category>.

چالش‌ها و ره‌یافت‌های توسعه گردش‌گری ادبی در ایران ۲۱

فراهانی، فاطمه (۱۳۹۵)، «طراحی مسیر گردش‌گری ادبی و تأثیر آن در اقتصاد ایران»: <http://b2bnet.info>.

گلبو، فریده (۱۳۹۳)، «گفت‌وگوی خبری: روز جهانی گردش‌گری»، به‌گزارش زهره نیلی: <http://www.mehrnews.com/news>.

مرتضایی‌فرد، زینب (۱۳۹۵)، «غبار فراموشی بر خانه جلال»: <http://jamejamonline.ir/online/2570394250668240981>.

محرابی، جواد، سیاوش خلیلی شورینی، و احمد خلفی (۱۳۸۹)، «بررسی موانع توسعه صنعت گردش‌گری در جمهوری اسلامی ایران»، مدیریت توسعه و تحول، دوره ۴، ش ۹. مهرورز، طراوت (۱۳۹۴)، «شناسایی ظرفیت‌های گردش‌گری ادبی در استان گیلان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گیلان: دانشگاه گیلان، پژوهشکده گیلان‌شناسی.

نورآقایی، آرش (۱۳۹۱)، «مقدمه همایش ملی گردش‌گری ادبی»: <http://www.literarytourism.ir>.

نورآقایی، آرش (۱۳۹۳)، «دغدغه طراحی تور ادبی وجود ندارد؛ با اسطوره‌ها مان بیگانه‌ایم»: <http://www.toptourism.ir>.

Andersen, H. C. and M. Robinson (2002), *Literature and Tourism: Reading and Writing Tourism Texts*, London: Continuum.

Bell, David and Kate Oakley (2014), *Cultural Policy*, London: Routledge.

Du Cros, Hilary and Bob McKercher (2015), *Cultural Tourism*, London: Routledge.

Fawcett, C. and P. Cormack (2001), "Guarding Authenticity at Literary Tourism Sites", *Annals of Tourism Research*, vol. 28, no. 3.

Herbert, D. (2001), "Literary Places, Tourism, and the Heritage Experience", *Annals of Tourism Research*, vol. 28, no. 2.

Hoppen, A. and L. Brown, and A. Fyall (2014), "Literary Tourism: Opportunities and Challenges for the Marketing and Branding of Destinations", *Journal of Destination Marketing and Management*, vol. 3.

Lowe, H. I. (2012), *Mark Twain's Homes and Literary Tourism*, University of Missouri Press.

MacLeod, N. and D. Hayes, and A. Slater (2009), "Reading the Landscape: The Development of a Typology of Literary Trails that Incorporate an Experiential Design Perspective", *Journal of Hospitality Marketing and Management*, vol. 18.

Ommundsen, W. (2014), "If it is Tuesday, This Must Be Jane Austen Literary Tourism and the Heritage Industry", *TEXT Special Issue*, no. 4: <http://www.textjournal.com.au>.

Smith, Melanie, Nicola MacLeod, and Margaret Hart Robertson (2010), *Key Concepts in Tourist Studies*, SAGE Publication.

Stiebel, Lindy (2007), "Going on (Literary) Pilgrimage: the Development of Literary Trails with Particular Reference to KwaZulu-Natal", *English Studies*, vol. 12.

Tally, Robert T. (2013), *Spatiality*, Abingdon and New York: Routledge.

- Urry, J. (1990), *The Tourist Gaze: Leisure and Travel in Contemporary Societies*, London: Sage.
- Yamashita, Shinji (2016), "Cultural Tourism", Jafar Jafari (ed.), *Encyclopedia of Tourism*, Springer International Publishing.
- Yiannakis, J. N. and A. Davies (2012), "Diversifying Rural Economies through Literary Tourism: A Review of Literary Tourism in Western Australia", *Journal of Heritage Tourism*, vol. 7, no. 1.